

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد      بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم      از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

نویسنده: الکس کالینی کوس  
برگردان از: آبتین درفش  
فرستنده: گروه پروسه  
۲۴ فبروری ۲۰۱۵

## بحرانهای چندجانبه امپریالیسم

۳

### برگشت به مرداب

همچنان که پیشتر اشاره کردیم، این فراسوی قدرت و اشنگتن نیست که بهطور مؤثر به این چالش پاسخ گوید: از طریق ترکیبی از آرایش جدید توانائیهای نظامی و ایجاد ترس از توسعهطلبی چین میان همسایگان پیکینگ. اما این خود مستلزم تمرکز توجه و امکانات بر آسیای شرقی است. پیشرفت داعش - سومین بحرانی که در آغاز برشمردیم - مؤثراً خطر جلوگیری از این تمرکز را با خود حمل می‌کند. همچنان که در آخرین شماره نشریه‌مان بحث کردیم، عروج داعش ضرورتاً فرآورده دو فاکتور است. نخست، شکست اشغال آنگلو- امریکن در عراق ایالات متحد را مجبور به انتقال قدرت به رژیم شیعی فرقه‌گرا و خودکامه نوری‌المالکی کرد، کسی که آنچنان اقلیت عرب سنی را بالکل بی‌تفاوت نمود که داعش را بهراحتی قادر به تصرف نخست فلوجه و سپس موصل کرد. دوم، جنگ داخلی فرقه‌ئی که توسط رژیم اسد در پاسخ به انقلاب ۲۰۱۱ سوریه بهراه افتاد به داعش فضائی را داد که از آن بتواند مناطق بزرگی از شرق سوریه را به تصرف درآورد؛ مناطقی که از آنجا قادر شد حملات خود را به داخل عراق بکشد. ۳۸

داعش يك سازمان فرقه‌گرای سنی جهادی است که منشاء الهامش از القاعده است. در واقع داعش در بین‌النهرین از دل القاعده زایش یافت. در بحبوحه آشوب برساخته توسط تهاجم سال ۲۰۰۳ این گروه که تا کشته شدن ابوموسی زرقاوی به‌دست امریکائی‌ها در سال ۲۰۰۶ توسط وی رهبری می‌شد، متخصص در کشتارهای وحشیانه اکثریت شیعی در عراق بود. این ستراتیژی به جلوگیری از تثبیت يك جنبش مقاومت متحد در برابر اشغال ایالات متحد کمک کرد. ۳۹ اما داعش به شیوه‌هایی بسیار متفاوت از القاعده شکل گرفت. بنا به استدلال جیسون بورك القاعده اصلی در اوج قدرتش نه به‌مثابه "يك گروه تروریستی سلسله مراتبی منسجم، با رهبری واحد، ایدئولوژی يك‌پارچه فراگیر و توانائی فهم و اجرای پروژه‌های جهانی"، بل‌که بیشتر شبیه يك کمپانی سرمایه‌داری مخاطره‌آمیز بود که پروژه‌های ارائه شده از طرف گروه‌های متفاوت جهادی در اقصا نقاط دنیا را نمایندگی و تأمین مالی می‌کرد. در پی اخراجش از افغانستان در سال ۲۰۰۱، "کل چیزی که از القاعده باقی است ایده القاعده است". ۴۰ ماهیت نامنظم و درهم برهم

القاعده منطبق است با صحبت مد روز در باره آینده جنگ و این که جنگ‌های آینده جنگ‌های "نامتقارن" بین دولت‌ها و کنش‌گران "نادولت"ی که در شبکه‌ها سازمان‌دهی شده‌اند، خواهد بود.

اما، همچنان که از اسمش برمی‌آید، داعش هدف تبدیل شدن به دولت را دنبال می‌کند - در واقع پیشاپیش خود را خلافت می‌نامد. این، اما، حاکی از آرزوی داعش است برای احیای مشی سیاسی عصر کلاسیک اسلامی چونان بدیلی در برابر مصائب مدرنیته و سلطه غرب. این آرزو در تمامی تار و پودش يك ایدئولوژی ارتجاعی است، اما نگاه یوتوپيائی‌اش به جامعه اسلامی سیاسی فراملیتی، داعش را قادر به جذب پیروانش از کشورهای زیادی کرده است. داعش همچنین به برپائی دولتی نوین در مناطقی از شرق سوریه و غرب عراق که تحت کنترل دارد، جایی که در حال توسعه دادن سیستم‌های بسیار مدرن حسابداری و کنترل بوروکراتیک است، رسمیت بخشیده است. از آزدسازی گروگان‌ها در ازای پول و پول در ازای حمایت، داعش در حال ایجاد کردن منابع درآمدی مرسوم‌تر است: درخواست کردن ۲ دالر مالیات ماهانه از مغازه‌داران و آغاز کردن به مطالبه هزینه‌های خدمات. با محاصره رقا در سال گذشته، کنترل منطقه نفتی شرق سوریه نصیب داعش شد. داعش اکنون در حال بهره‌برداری از شبکه‌ای در حال گسترش از قاچاق در طول مرزهای زمینی سوریه، عراق، ترکیه و ایران است و روزانه چیزی حدود ۸۰.۰۰۰ بشکه نفت به فروش می‌رساند. ۴۱ برخی از متفکران بورژوا، که تعدادشان هم کم نیست، دولت را به‌خودی خود به‌مثابه باج سیبیلی دیده‌اند، که در آن صاحبان دارائی در ازای امنیت شخصی و دارائی‌هایشان پول پرداخت می‌کنند. از منظر همین نگاه، به‌نظر می‌رسد که داعش درک درستی از این بده و بستان دارد. گزارش‌های اولیه مبنی بر این که داعش گاو صندوق‌های بانک‌های موصل را دزدیده بود، نادرست از آب درآمد: بانک‌ها تحت حکومت جهادی تعطیل نشده‌اند.

حال اوپاما قول "تنزل مقام و سرانجام نابودی" این پیش - دولت را داده است. ستراتیژی او، اما، با دو تضاد بنیانی رو به رو است. نخست حفظ بخش‌های کوچکی از تعهدش در پایان دادن به جنگ‌های خارجی امریکا ست. اوپاما قول داده است که مشارکت ایالات متحد در شکست دادن داعش صرفاً محدود به نیروی هوایی خواهد بود. اما داعش از تحرك بالا و نیروی جنگندگی مؤثر برخوردار است که شکستش مستلزم وجود نیروهای زمینی ست. در واقع، اوپاما پیشاپیش نزدیک به ۱۲۰۰ سرباز ایالات متحد را به عراق گسیل کرده و اعزام ۴۷۵ نفر دیگر رانیز در ۱۰ سپتمبر اعلام نموده است. مأموریت نیروهای زمینی اعزام شده "مشاوره" به ارتش عراق اعلام شده است، اما هر کس می‌داند که با درگیری امریکا در جنگ زمینی در ویتنام، که با جان‌کندی شروع شد، فرستادن تعداد افزایش‌یابنده "مشاوران" نیز آغاز شد.

ژنرال مارتین دِمپسی، صدر رؤسای ستاد مشترك ایالات متحد، بیش از يك مناسبت، از استثناء قائل شدن در برگشت نیروی زمینی امریکا به عراق امتناع کرد. در ۲۵ سپتمبر او در مصاحبه‌ای با يك روزنامه نگار گفت: "اگر شما بر آنید که بگوئید که من ممکن است، در وضعیتی، توصیه کنم که ما نیازمند گسیل نیروی زمینی برای رو در روئی [ با دولت اسلامی] هستیم، پاسخ من در این مورد نیز مطلقاً است. "اگرچه عجولانه ادامه داد: "اما این نیرو نباید امریکائی باشد." "نیروی ایدال" می‌تواند نیروئی "متشکل از عراقی‌ها و کردها و اپوزیسیون میان‌رو سوریه" باشد. ۴۲

این رامحل برای نخستین تضاد - ائتلافی از کشورهای مداخله‌کننده تحت رهبری ایالات متحد - خود به دومین تضاد منتهی می‌شود. از قرار معلوم این نیروهای زمینی نمی‌تواند از بریتانیا و دیگر دولت‌های عضو ناتو که به‌جدیت در حال قطع بودجه‌های دفاعی‌شان هستند باشد. ناگزیر آن‌ها باید از خود منطقه باشند. اما منطقه باتلاقی از مشکلات

سیاسی است. سرمایه کشورهای خلیج، با تأمین حمایتی جدی از ضدانقلاب در مصر و سوریه، در حال حاضر شرق عربی را به لحاظ اقتصادی تحت سلطه دارد. ۴۳ عربستان سعودی و دیگر دولت‌های خلیج نقش خود را در تغییر شکل انقلاب سوریه به یک جنگ داخلی فرقه‌ای بازی کردند: با غنیمت‌شمردن نزاع به‌مثابه فرصتی برای تقویت قدرت عربی سنی در منطقه علیه رقبای شیعی‌شان (باید به‌خاطر داشت که اسد به فرقه علوی که شعبه‌ای از شیعه است متعلق است و رژیم او در پیوندی نزدیک با رژیم ایران قرار دارد). بیش‌تر پول و اسلحه‌هایی که توسط آن‌ها به جنگ در سوریه سرانجام در دستان گروه‌های جهادی از قبیل داعش یا جبهة النصره، از خویشاوندان رسمی القاعده، قرار گرفت. مضافاً، مشروعیت پادشاهی سعودی برگرفته از وهابی‌گری است، با تفسیری فوق‌ناب از اسلام، که القاعده و منشعباتش نیز ملهم از آن‌اند.

بنا بر این - به‌رغم درگیری دولت‌های خلیج در کارزار هوایی علیه داعش - آن‌ها بیش از آن آمیخته با نیروهای جهادی هستند که بشود روی آن‌ها حساب کرد. ترکیه، متصور قدرت در حال عروج منطقه، دارای وضعیتی پیچیده است که آن را نیز در باره داعش مردد می‌کند. این ایده که ارتش عراق بتواند این فاصله را پر کند خنده‌آور است. رژیم عراق، تحت اشغال، آن چیزی شد که یکی از وزرای پیشین عراق چنین نامیدش: "حکومت مبتلا به جنون دزدی نهادی شده". ۴۴ فساد در ارتش عراق رخنه کرده است: بنا بر این هیچ جای تعجب نیست که ارتش عراق نخست فلوجه و سپس موصل را در دستان جنگندگان داعشی، که به‌مراتب پائین‌تر اما سخت‌تر با انگیزه بود، رها کرد، و سلاح‌ها و خودروهای جدید تأمین‌شده توسط ایالات متحد را برای فاتحان باقی گذاشت و اما در باره ارتش "میانرو" آزاد سوریه، یکی از پشت‌کردگان به داعش مدعی است که "جلسه شورای نظامی ارتش آزاد سوریه بدون استثناء از نمایندگان سعودی، امارات متحد عربی، سرویس‌های اطلاعاتی اردن و قطر، و نیز افسران اطلاعاتی ایالات متحد، بریتانیا و فرانسه تشکیل می‌شد". ۴۵ کمیته‌های محلی که از شورش اولیه پدید آمدند معرف نیروهای مردمی اصیل‌تر بودند، اما این نیروها در صحنه عمل، توسط جهادی‌ها با توسل به نیروی نظامی، از ارتش آزاد سوریه کنار گذاشته شده بودند.

آن چه باقی می‌ماند رژیم اسد است. روابط رژیم اسد با داعش مبهم بوده است. نیروهایش ترجیح می‌داند که از جنگیدن با جهادی‌ها اجتناب کنند، بنا بر این حملات‌شان را بر جناح سکولارتر انقلاب متمرکز می‌کردند. مضافاً، به‌گفته فابینشال تمایمز، داعش، "بنا به گفته چندین منبع مستقل که از نزدیک نسبت به موضوع آگاه‌اند، به رژیم اسد نفت می‌فروشد. یکی از مقامات اطلاعاتی غرب می‌گوید رژیم در برخی از شهرهای تحت کنترل داعش در عوض بشکه‌های نفت، چراغ‌ها را روشن نگه می‌دارد". ۴۶ اما بحران ایجاد شده توسط سقوط موصل کاملاً بر ادعاهای اسد برای در خط مقدم "جنگ با تروریسم" بودن منطبق است. برخی روشن‌فکران صاحب نام سیاست ایالات متحد - برای مثال، ریچارد هاس، سرپرست برنامه‌ریزی سیاست امریکا در وزارت خارجه در دوران بوش جوان، و فلیپ بابیت، که ارتباطاتی با حزب دموکرات دارد - اکنون از مدافعان اتحاد تاکتیکی با اسد علیه داعش هستند. ۴۷ این منطقی واقع‌گرایانه است، هم‌چنان که گام بلندتر برای همکاری با حامیان اسد در تهران واقع‌گرایانه است. اما این می‌تواند هم به خشمگین شدن عربستان سعودی و دیگر شیخ‌نشینان خلیج بینجامد، و هم بر ادعای داعش مبنی بر دفاع از سنی‌ها در برابر دنیای غیرمنصفانه و غیرقابل تحمل مهر تأیید بکوبد.

بنا بر این ایالات متحد در حال کشیده شدن به درگیری نظامی در خاورمیانه است، جایی که با مجموعه‌ای از گزینه‌های شدیداً نامطلوب رو در رو است. در چنین وضعیتی تلاش متوجهی سرپا نگه‌داشتن وضعیت موجود منطقه است که زیر بار تنش‌های داخلی انباشت‌شده در حال ترك برداشتن است. وضعیت موجود قربانیان بسیاری

دارد، که آشکارترین‌شان فلسطینیان هستند. آخرین تهاجم اسرائیل به غزه (اولین نزاع از نزاع‌های برشمرده شده در آغاز این مقاله) در واقعیت امر به‌سادگی پاره‌ای از جنگی مداوم بود که دولت صهیونیستی به منظور تداوم بخشیدن به مصادرهٔ اموال و فرمان‌برداری فلسطینیان به‌راه انداخت. اگر چه ایالات متحد حمایت همیشگی خود از اسرائیل را حفظ کرد - با عرضهٔ سلاح‌هایی که نیروی‌های دفاعی اسرائیل بدون تمایز در قصابی غیرنظامیان به‌کار بردند - ولی قیمت این تهاجمات روبه افزایش است. نیروهای دفاعی اسرائیل از نوآوری‌های نظامی حماس نسبت به زمان آخرین حملات‌شان به غزه غافل‌گیر شدند، به‌ویژه از پیچیدگی تونل‌های زیر حوزة استحفاظی‌شان و آموزش نظامی و تجهیزات جنگ‌جویان حماس که تلفات بسیار بیش‌تر از قبل برای نیروهای اسرائیلی به‌همراه داشت. اما، همچنان که مزیت نظامی اسرائیل به‌آهستگی فرسایش می‌رود، هیچ راه بیرون‌رفتی از بن‌بست ساختاری منبعث از وابستگی امنیت اسرائیل به سرکوب فلسطینیان وجود ندارد.

در مقیاس منطقه‌ای، چشم‌انداز بیش‌تر حاکی از گرم‌خوردگی است تا روانی و سیالی. همان علت‌های موجود در پس عروج داعش - تهاجم فاجعه‌بار عراق و انقلاب‌های عربی - تمامی رژیم‌های عرب را از ثبات انداخته است. اوپاما، مانند سلفش، اکنون برای منجمد کردن این ریزش دائمی به نیروی نظامی متوسل شده است. او، همچنان که دیده‌ایم، احتمالاً موفق نمی‌شود. در این روی‌کرد، اما، مداخلهٔ جدید بدون تردید منجر به خسارات انسانی و سیاسی زیادی خواهد شد و به‌احتمال زیاد به قوی‌تر شدن و نه ضعیف‌تر شدن داعش خواهد انجامید. موفقیت‌های نیروهای ضدانقلابی، و به‌ویژه در مصر، قلب جهان عرب، ابتکار عمل را به ارتجاع - در هر شکلی که بَرُوز نماید - ایالات متحد، اسرائیل، عربستان سعودی، داعش - داده است. در بمباران غزه توسط نیروهای هوایی اسرائیل، قتل‌های عام فرقه‌ای در عراق و سوریه، اختناق ضدانقلاب در مصر، و در کارزار هوایی هماهنگ‌شده توسط ایالات متحد ما شاهد تصاویری انضمامی از بربررسی هستیم که روزا لوکزامبورگ پیش‌بینی کرد که انسان را در غیاب انقلاب سوسیالیستی خواهد بلعید. این تا حد زیادی به یک موج جدید انقلابی بستگی دارد.

برای انقلابیون، مخالفت با کارزار بمباران اوپاما - و هر آن چه دیگر کنش‌های نظامی به‌دنبال می‌آورند - باید روشن و سراسر باشد. (ما، البته که باید در برابر گسترش ناتو در اروپای مرکزی و شرقی نیز بایستیم.) اما این اپوزیسیون باید آگاه شود که مداخله‌گری اخیر ایالات متحد در خاورمیانه در برابر شرایط از سرگرفته شدهٔ رقابت‌های بینا - امپریالیستی صورت می‌گیرد، رقابت‌هایی در آن مقیاس که از پایان جنگ سرد دیده نشده است. ضدامپریالیسم در خلال دوران جنگ سرد نه صرفاً مستلزم مخالفت با امپریالیسم "خودمان" بود، بلکه مستلزم امتناع از بزرگ کردن کنش‌های رقیب و اذعان به این که آن نیز مطابق منطق امپریالیستی عمل می‌کند، نیز بود. همین برخورد امروز الزام آور است، با در نظر گرفتن این که امروز ما شاهد رقابت بینادولتی چند قطبی هستیم. این نوع رقابت در آسیای شرقی دارای بیش‌ترین وضوح است. اگر چه در سطح جهانی، ایالات متحد همچنان تنها قدرت جهانی است، اما با دشواری‌های منطقه‌ای جدی از سوی روسیه و چین رو به رو است، و این در حالی است که درون بلوک غرب هم اخیراً آلمان و جاپان ادعای‌شان می‌شود.

فهم این پیچیدگی یک کنش آکادمیک نیست. اگر ما نقشی "پیش‌رو" برای رقبای امریکا قائل شویم، سرخ مبارزهٔ طبقاتی را از دست می‌دهیم. و برای ما تضاد اصلی در جهان تضاد بین دولت‌ها و نه طبقات می‌شود. اما، تمامی دولت‌های سرمایه‌داری اصلی، فراسوی نزاع‌های واقعی بر سر منافع‌شان، در وابستگی به استثمار کار مزدی، یکسان هستند. همچنان که لنین و لوکزامبورگ به‌خوبی در ۱۹۱۴ دریافتند، نقد سیستم امپریالیستی، برای متحد کردن کارگران علیه سرمایه، یک ابزار سیاسی ضروری است.

- 38: Callinicos, 2014.  
39: Napoleoni, 2005.  
40: Burke, 2004, pp231, 232, 290.  
41: Jones, 2014a, Daragahi and Solomon, 2014.  
42: Rosen, 2014.  
43: Hanieh, 2011.  
44: Cockburn, 2014, Kindle location 417.  
45: Cockburn, 2014, Kindle location 585.  
46: Jones, 2014a.  
47: Haass, 2014, and Bobbitt, 2014.
- 

## References

- Anderson, Perry, 2006, “Inside Man”, *The Nation* (24 April), [www.thenation.com/article/inside-man](http://www.thenation.com/article/inside-man)
- Binns, Peter, 1983, “Understanding the New Cold War”, *International Socialism* 19 (spring).
- Bobbitt, Philip, 2014, “Choose Enemies Carefully But Be Less Picky about Allies”, *Financial Times* (29 August), [www.ft.com/cms/s/0/ad07797a-2ed9-11e4-afe4-00144feabdc0.html#axzz3ERM4pdQy](http://www.ft.com/cms/s/0/ad07797a-2ed9-11e4-afe4-00144feabdc0.html#axzz3ERM4pdQy)
- Brenner, Robert, 2002, *The Boom and the Bubble: The US in the World Economy* (Verso).
- Burke, Jason, 2004, *Al-Qaeda: The True Story of Radical Islam* (Penguin).
- Callinicos, Alex, 2003, *The New Mandarins of American Power: The Bush Administration's Plans for the World* (Polity).
- Callinicos, Alex, 2009, *Imperialism and Global Political Economy* (Polity).
- Callinicos, Alex, 2010, *Bonfire of Illusions: The Twin Crises of the Liberal World* (Polity).
- Callinicos, Alex, 2014, “Nemesis in Iraq”, *International Socialism* 143 (summer), [www.isj.org.uk/?id=981](http://www.isj.org.uk/?id=981)
- Clark, Christopher, 2012, *The Sleepwalkers: How Europe Went to War in 1914* (Penguin).
- Cockburn, Patrick, 2014, *The Jihadis Return: ISIS and the New Sunni Uprising* (OR Books).

Daragahi, Borzou, and Erika Solomon, 2014, "Fuelling ISIS Inc", *Financial Times* (21 September), [www.ft.com/cms/s/2/34e874ac-3dad-11e4-b782-00144feabdc0.html#axzz3ERM4pdQy](http://www.ft.com/cms/s/2/34e874ac-3dad-11e4-b782-00144feabdc0.html#axzz3ERM4pdQy)

Darwin, John, 2009, *The Empire Project: The Rise and Fall of the British World System, 1830-1970* (Cambridge University Press).

Deutscher, Isaac, 1961, *The Great Contest: Russia and the West* (Ballantine Books).

Dyer, Geoff, 2014a, *The Contest of the Century: The New Era of Competition with China and How America Can Win* (Allen Lane).